



مدیران آبی روی سر مربی پر تغالی و پر حاشیه را زمین نینداختند

عاشق بازگشت به استقلال!



گزارش یک شیوانوروی

بازگشت مربی پر حاشیه پر تغالی همان اتفاقی بود که در روزهای سخت جنگ تحمیلی دشمن قطعی شد و همه را به تعجب واداشت، البته در فوتبال ما باید انتظار هر اتفاقی را داشته باشیم اما پافشاری عجیب ریکاردو ساینیتو برای حضور دوباره در لیگ برتر کشورمان و نشستن روی نیمکت استقلال آن هم در آن اوضاع کاملاً منحصربه‌فرد بود. همانطور که مدیران باشگاه وعده داده بودند، خبری از ادامه همکاری با مجتبی جباری نشد و آنها باز هم سراغ مربی خارجی رفتند، منتها گزینه نهایی برای همه به ویژه هواداران استقلال شناخته شده است. ساینیتو برای عقد قرارداد با آبی‌ها نه نیابرد و با آغوش باز آن را پذیرفت. با اینکه هنوز نیامده چالش‌های حضور او در فوتبال ایران آغاز شده اما بد نیست نگاهی بیندازیم به عملکرد ساینیتو و تجربه‌هایی که او با استقلال داشته است.

مرد عصبانی ۱۳ سال است رسماً وارد عرصه مربیگری شده و در این سال‌ها بارها مسئولیت سرمربیگری تیم‌های مختلف را پذیرفته است. نکته حائز اهمیت این است که ساینیتو اصولاً مدت طولانی نمی‌تواند روی نیمکت یک تیم بنشیند و معمولاً به خاطر عملکرد ضعیف یا رفتارهای تندش از سمتش برکنار می‌شود. در این مدت مرد پر تغالی با ۱۶ تیم مختلف کار کرده و حال استقلال تنها باشگاهی است که برای بار دوم به او اعتماد کرده است!

فقط ۲ جام
در حالی که ساینیتو گزینه‌ای اروپایی است و در دوره قبل و پیش از آمدنش به استقلال بارها روی این مسئله مانور داده شد ولی ریکاردو تاکنون فقط دو جام قهرمانی را به همراه تیم‌هایش به دست آورده است. پیش از باز شدن پایش به ایران، ساینیتو در جام‌حذفی بلژیک‌بار قهرمان جام‌حذفی شده بود. در یک فصلی که هدایت استاندارد لیژ را برعهده داشت، تیم بلژیکی توانست در سال ۲۰۱۷ قهرمان جام‌حذفی این کشور شود. بعد از آن دیگر ساینیتو دستش به جام نرسید تا اینکه به ایران آمد و توانست این طلسم را بشکند. سرمربی پر حاشیه در یک فصلی که روی نیمکت استقلال نشست، قهرمانی در سوپر جام را به کارنامه‌اش اضافه کرد. آبی‌ها در کرمان موفق شدند نساجی را با یک گل شکست دهند و جام قهرمانی را تصاحب کنند. درواقع این قهرمانی نقطه عطفی شد برای ساینیتو تا از آن برای توجیه بازگشتش به استقلال استفاده کند.

مسئولیت بزرگ
شکی نیست که هواداران استقلال هنوز ناکامی‌های فصل گذشته را فراموش نکرده‌اند. لیگ بیست و پنجم از اواخر مردادماه آغاز خواهد شد و این در حالی است که مدیران باشگاه هنوز چالش‌های قبلی را رفع نکرده‌اند. استقلال فصلی پر فراز و نشیب را پشت‌سر گذاشت و در حالی با قهرمانی در جام‌حذفی سهمیه حضور در آسیا را به دست آورد که تغییرات مکرر کادرفنی و اختلافات داخلی تا لحظه آخر ادامه داشت. بعد از تنزل به رتبه نهم جدول، حالا همه هواداران استقلال منتظرند نتیجه بازگشت دوباره ساینیتو را ببینند؛ سرمربی‌ای که در زمان حضورش در

این تیم نتوانست از عنوان قهرمانی استقلال دفاع کند و فصل را با مقام سومی به پایان رساند. او در ۳۶ بازی سکندار بود و ۲۳ پیروزی، هشت تساوی و پنج باخت را ثبت کرد، البته بازی هجومی از جمله نکات مثبت استقلال در زمان ساینیتو محسوب می‌شود؛ مربی پر تغالی علاقه زیادی به ترکیب هجومی داشت و شاگردانش در فصل ۱۴۰۲-۱۴۰۱ با زدن ۵۲ گل عنوان بهترین خط حمله لیگ را از آن خود کردند. در حالی که پرسپولیس ۳۶ گل زده در آن فصل جام قهرمانی را به چنگ آورد.

ناکام مطلق دربی
در فوتبال ایران و البته جهان، پیروزی در دربی‌های بزرگ برای همه تیم‌های مطرح و مربیان‌شان اهمیتی دوچندان دارد. علاوه بر بحث کسب امتیاز، ماندن در کورس قهرمانی و کسب جام، بحث رقابت با حریفان سنتی بسیار مهم است تا جایی که هواداران کل فصل منتظرند تیم محبوب‌شان رقیب سنتی را مقتدرانه شکست دهد. در عین حال باخت به دشمن قدیمی هم برای‌شان بسیار تلخ و غیرقابل تحمل است. به همین خاطر است که سرمربیان سرخانی‌های پایتخت همواره از این نظر تحت‌فشار هستند و باید به نوعی رضایت هواداران خود را جلب کنند. سرمربی پیروز در دربی محبوبیتش نزد هواداران محفوظ است، حتی اگر جام نگیرد. در این بین ریکاردو ساینیتو طی یک فصلی که در لیگ برتر ما فعالیت می‌کرد، نشان داد تبحری در پیروزی

در دربی را ندارد. استقلال زمان او سه بار به مصاف پرسپولیس رفت و هرگز نتوانست قرم‌ها را شکست دهد. در بازی رفت لیگ در تیم به تساوی ۲-۲ رضایت دادند. درحالی که استقلالی‌ها معتقدند تصمیم سرمربی وقت در تعویض روزبه چشمی اشتباه بوده و با این تصمیم اشتباه پرسپولیس توانست گل مساوی را به استقلال بزند و از باخت در دربی فرار کند. در دیدار برگشت هم شاگردان ساینیتو با یک گل مغلوب رقیب سنتی خود شدند. حضور روی نیمکت استقلال داده شده است!

استاد حاشیه
فوتبال ایران با حاشیه عجین شده و جزء جدایی‌ناپذیر این رشته به حساب می‌آید. در این میان همه فعالان فوتبال از مدیر باشگاه و سرمربیان گرفته تا بازیکنان و عوامل تیم‌ها، همگی در عرصه حاشیه‌سازی حضور فعال دارند و در هر مسابقه باید منتظر حواشی جدید باشیم. در دوره اول آمدن ساینیتو، کسی انتظار رفتارهای خشن و تند از این مربی نداشت، منتها مرد پر تغالی خیلی زود نشان داد خودش استاد حاشیه است و می‌تواند تجربیاتش را در لیگ ما در اختیار بگذارد. ساینیتو از همان ابتدا

به همه سوت‌ها و تصمیمات داوران معترض بود و با جار و جنجال به آنها اعتراض می‌کرد، حتی از درگیری با نیمکت حریفان ابایی نداشت و بعضاً با هواداران نیز درگیر می‌شد. فینال جام‌حذفی و تقابل با پرسپولیس تنها یکی از این موارد است. فینال جام‌حذفی آخرین حضور ساینیتو روی نیمکت استقلال بود. در آن دیدار جنجالی سرمربی استقلال با کارت قرمز داور اخراج شد و در حالی که بسیار عصبانی بود هنگام خروج از زمین با هواداران پرسپولیس نیز درگیر شد.

همین رفتارهای او حکم سنگین انضباطی را برایش به همراه داشت، محرومیت چهار ماهه. از آنجا که همکاری ساینیتو با استقلال تمام شده بود عملاً این رأی هرگز به اجرا درنیامد و انتظار هم نمی‌رفت اجرایی شود چرا که هیچ‌کس فکر نمی‌کرد آبی‌ها خیلی زود دوباره سرراش این مرد جنجالی بروند. حال که قرارداد ساینیتو امضا شده مدیران باشگاه دنبال رفع و رجوع حکم قبلی او هستند. محرومیت چهار ماهه به قوت خود باقی است و باید ببینیم ساینیتو برای نشستن روی نیمکت استقلال به مشکل می‌خورد یا نه. چه این حکم اجرا شود و چه نشود، مسئله اصلی این است که آیا ساینیتو نسبت به گذشته تغییری در رفتارش داشته یا نه؟ اگر قرار باشد او با همان فرمان قبلی به لیگ ایران برگردد از هم‌اکنون باید جایزه بهترین حاشیه‌ساز را برایش کنار بگذاریم.

مربی خارجی خوب آرزوست

فریدون حسن
مربی خارجی، مربی خارجی و مربی خارجی این اصلی‌ترین گزینه مانورهای خبری مدیران باشگاهی فوتبال ایران است. مدیران باشگاه‌ها خیلی خوب یاد گرفته‌اند که ابتدا بگویند مربی خارجی می‌آوریم و بعد از آن هم عنوان کنند که این مربی با کارنامه است، نامدار است، صاحب سبک است و در نهایت قرار است با این مربی تیم مدارج ترقی را یکی پس از دیگری طی کند و ستاره پشت ستاره به لوگوی باشگاه اضافه شود.

همه خیلی خوب می‌دانیم که تمام این حرف‌ها فقط در همان قسمت اول خلاصه و تمام می‌شود، یعنی یک مربی خارجی می‌آید و بقیه ادعاها در حد همان حرف باقی می‌ماند. تاریخ فوتبال باشگاهی ایران را که ورق بزنای شاید بتوان به تعداد انگشتان یک دست مربی خارجی با کیفیت پیدا کرد؛ مربیانی که واقعاً منشأ تأثیر و پیشرفت بوده‌اند، مربیانی که به ایران آمدند و کلاس فوتبال ایران را بالا بردند، مردانی که واقعاً چیزی برای ارائه داشتند.

مسئله حضور مربیان خارجی در فوتبال ایران با گسترش شبکه دلالی حاکم بر بازار نقل و انتقالات طی سال‌های اخیر وارد فاز تازه‌ای شد. طی این سال‌ها فوتبال ایران به لحاظ عدم برخورداری از قانون و مقررات درست در عقد قرارداد تبدیل به بهشت مربیان بی‌کیفیت خارجی و بیگانه مانده شد تا جایی که همه می‌دانیم چه مربیانی بی‌کارنامه‌ای سر از تیم‌های بزرگ فوتبال ایران درآوردند و کیسه خود و دلال‌شان را پر پول کردند و رفتند.

فصل پیش روی فوتبال هم از این قاعده مستثنی نیست و این روزها با توجه به شرایط خاص کشور و در سایه رفتن مسائل فوتبال شبکه دلالی به طرز وحشتناکی مشغول فعالیت و قالب کردن مربیان و بازیکنان بی‌کیفیت خارجی به تیم‌های باشگاهی است، البته شرایط خاص کشور و پرهیز خارجی‌ها از سفر به ایران باعث شده است اغلب تمایلی به حضور در ایران نداشته باشند اما به هر حال با تثبیت بیشتر اوضاع دلال‌ها حتماً این روزها را جبران خواهند کرد. پس وظیفه فدراسیون فوتبال، سازمان لیگ و مدیران باشگاه‌هاست تا با اتخاذ یک تصمیم درست اجازه حضور خارجی‌های بی‌کیفیت به فوتبال باشگاهی را ندهند.

در اینکه فوتبال باشگاهی ایران برای عقب‌ماندن از رقبای آسیایی خود به ویژه تیم‌های عربی نیاز به ارتباط با سطح اول فوتبال دنیا را دارد هیچ شکی نیست اما فقط یک نگاه به نام‌های مربیان خارجی که سر از ایران درآورده یا قرار است راهی کشورمان شوند، ثابت می‌کند تیم‌های کشورمان با این مربیان نه تنها راه به جایی نمی‌برند بلکه روزبه‌روز پست‌رفت هم خواهند کرد. فقط کافی است مقایسه کوچکی انجام دهیم و ببینیم رقبا چگونه مربی خارجی جذب می‌کنند و ما چگونه.

البته بحث ریخت و پاش‌های کشورهایی چون عربستان، قطر و امارات در این خصوص سر جای خود قرار دارد و اصلاً توقع نمی‌رود که تیم‌های باشگاهی ایران هم دست به چنین ریخت و پاش‌هایی بزنند اما می‌توان حداقل توقع داشت که با انتخاب درست کاری‌کننده که اول فوتبال و بعد از آن بیت‌العمال ضرر نکنند. در همین یکی‌دو دهه اخیر شاهد حضور مربیانی بوده‌ایم که خوب کار کرده‌اند و خوب به نتیجه گرفته‌اند؛ مربیانی که اتفاقاً قیمت‌شان بالا هم نبوده و تا جایی که نتوانسته‌اند به پیشرفت فوتبال باشگاهی ایران کمک کرده‌اند، پس می‌توان به دور از شعارزدگی و خیالبافی و رفتن دنبال گزینه‌های محال از همان ابتدا با برنامه‌ریزی کار جذب مربی خارجی با کیفیت را به درستی سروسامان داد تا هم تأثیر آن را در رشد فوتبال کشور دید و هم نتیجه مناسب و موفقیت را به دست آورد، این کار فقط درایت و برنامه‌ریزی درست می‌خواهد و بس!

بازگشتی تاریخی

یکی از تاریخی‌ترین بازگشت‌های مربیان خارجی به فوتبال ایران را بدون شک پروفیسور رقم زده است. برانکو نخستین بار به عنوان دستیار بلاژویچ در تیم ملی فوتبال به ایران آمد اما بعدها سکان هدایت تیم امید ایران را به دست گرفت و در بازی‌های آسیایی بوسان (۲۰۰۲) قهرمان شد. برانکو سکان هدایت تیم ملی ایران را به عنوان سرمربی در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان نیز به دست داشت و بعد از آن ایران را ترک کرد. او اما ۱۰ سال بعد درست زمانی که پرسپولیس در اوج بحران بود یبار دیگر به ایران بازگشت و با صبوری، نسل جدیدی ساخت و با سه قهرمانی لیگ، یک نایب‌قهرمانی آسیاخودش را جلودانه کرد. برانکو مصداق بارز ضرب‌المثل آدم آشنا، اگر دیر بیاید هم، زود به دل می‌نشیند بود اما به رغم تمام موفقیت‌ها و جایگاهی که در بین هواداران کسب کرده بود با دلخوری از مدیران نالایق پرسپولیس ایران را ترک کرد.

پیرمرد پر تغالی در تبریز

تونی یکی از معدود مربیانی است که سه بار هدایت تیم ایرانی را برعهده گرفته و هر بار که رفته هیچ کس تصور بازگشت او را هم نمی‌کرد بار دیگر بازگشته است، چون هواداران تراکتور کاری کردند که دلش آرام نگیرد. اولین حضور او با قهرمانی در جام حذفی همراه بود، بار دوم با همان نایب‌قهرمانی تلخ در لیگ چهاردهم و بار سوم اما با یک جدایی آرام‌تر که شاید رفتنی بی‌بازگشت باشد.

دست‌خالی رفت و دست پر برگشت

کرانچار، کروات خوش‌برخوردی بود که با نشستن بر نیمکت پرسپولیس با فوتبال ایران آشنا شد؛ مربی‌ای که تیمش خوب بسازی می‌کرد اما نتیجه لازم را نمی‌گرفت و همین مسئله باعث شد قبل از رسیدن به نیم‌فصل جای خود را به دابی داده و بی‌سروصد ا جمع سرخ‌پوشان پایتخت را ترک کند. دو سال بعد اما او بار دیگر به فوتبال ایران بازگشت. این بار اما برای نشستن روی نیمکت سپاهان و نوشتن داستانی تازه که هم قهرمانی لیگ و هم جام حذفی

گزارش ۲

دنیاچدیری

فوتبال ایران بی‌توجه به موفق بودن یا نبودن مربیان خارجی، همیشه به روی آنها باز است که برخی چون ساینیتو بعد از یک جدایی پر حاشیه، بار دیگر به فوتبال ایران سلام می‌کنند؛ درست مثل قصه‌های نیمه‌تمامی که گاه با پایانی جدید، از نو نوشته می‌شوند. در واقع حکایت برخی مربیان خارجی که تجربه حضور در فوتبال ایران را در کارنامه دارند حکایت مسافرانی است که اگرچه با دلخوری می‌روند اما چون دل‌شان جا مانده، دیر یا زود به پهنای تازه برای نوشتن داستانی متفاوت باز می‌گردند.

همیشه خندان حسرت به دل!

مصطفی دینزلی بدون شک یکی از مربیان محبوب فوتبال ایران است که اتفاقاً در فوتبال ترک‌یه نیز اعتباری برای خود داشته و دارد. او نخستین بار برای به دست گرفتن سکان هدایت پاس بود که به ایران آمد اما سر از پرسپولیس هم درآورد و هنوز هم همه بازی‌های خوب سرخ‌پوشان را در زمان او به یاد دارند. هرچند که تیم او باوجود ارائه بازی‌های زیبا و تماشاگرپسند هرگز جام نیابرد، اما عملکرد خوبی که در زمین داشت باعث شد پرسپولیس که در لیگ یازدهم بدترین روزهای خود را تجربه می‌کرد، یبار دیگر به دینزلی اعتماد کند و او در هفته بیست و چهارم با برتری دیدنی مقابل استقلال آن هم با کامبکی تاریخی جایی ابدی برای خود در دل هواداران پرسپولیس باز کند. پرسپولیس که در چهار دربی رسمی قبلی شکست خورده بود، این بار هم با دو گل عقب افتاد اما در نهایت با هت‌تریک ایمنو زاید، ۳-۲ به برتری رسید، آن هم در شرایطی که ۱۰ نفره بود اما در تقدیر دینزلی هیچ جامی نبود. نه در پرسپولیس و نه حتی تراکتوری که بعدها سکان هدایتش را به دست گرفت.



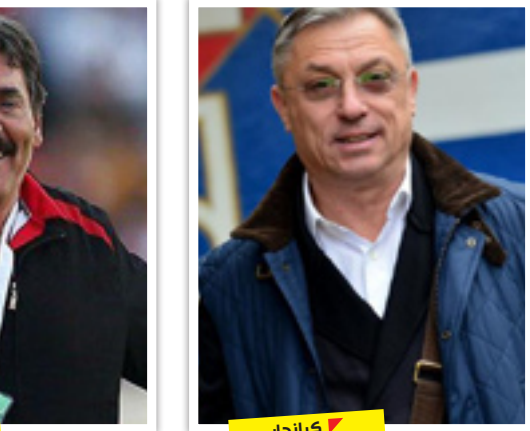
دینزلی



استانکو



اسکوچیچ



کرانچار

برای زردپوشان اصفهانی به دنبال داشت.

مربی‌ای که کم‌کم جاف‌افتاد

در اگان اسکوچیچ یکی از جالب‌ترین سرنوشت‌ها را در فوتبال ایران داشت. او کارش را در ایران با دست گرفتن سکان هدایت ملوان آغاز کرد و سپس به فولاد و نفت آبادان رفت و درست چند روز بعد از آنکه گفت ناچار است به دلیل مشکلات خانوادگی آبادان را ترک کند، سر از تیم ملی فوتبال ایران درآورد. مربی بی‌سروصدا، دقیق و آرامی که برخلاف تصور همگان ناگهان از دل لیگ برتر، به تیم ملی رسید و اتفاقاً رکورد بردایش نیز خیره‌کننده بود و تیم ملی را صدرنشین آسیا کرد، اما چند ماه مانده به جام جهانی، همانطور که ناگهانی آمده بود، ناگهانی رفت و جای خود را به کارلوس کی‌روش داد. ولی داستان او با جدایی تلخ از نیمکت تیم ملی فوتبال ایران به پایان نرسید و مسیر بعدی او نیمکت تراکتور بود و رقم خوردن موفقیتی تاریخی برای سرخ‌پوشان تبریزی با کسب عنوان قهرمانی لیگ بیست و چهارم، اسکوچیچ درست مثل مسافری که راه بازگشت را بلد است و منتظر یک بلیت دعوت، تراکتور را آرام و با دقت به قهرمانی رساند که سالیان سال انتظارش را می‌کشید.

استثناهایی که قاعده را به چالش کشیدند

در فوتبال ایران، کم نبودند مربیان خارجی‌ای که با وعده‌ها آمدند و با گلابیه‌ها رفتند. بعضی حتی دستمزدشان را هم کامل نگرفتند. بعضی، فوتبال ایران را فراموش کردند، بعضی دیگر اما هرگز فراموش نشدند. ساینیتو، کرانچار، برانکو، تونی و دینزلی نام‌هایی هستند که باوجود بحران مدیریتی و قراردادهای پُر اما پرداخت‌نشده، باز هم برگشتند، شاید چون چیزی برای اثبات مانده بود یا دینی به هوادار یا کاری ناتمام یا شاید فقط عشقی ساده، اما علاوه بر آنها، نفراتی چون وینگو بگوویچ، لوکا بوناچیچ، واسیلی گوجا، اطرطف سلوگام، یورگن گده، انگین فیرات، یوگنی سکومورخوف، بلاژویچ، ادسون تاوارس، استانکو پوکله پوویچ و دراگان اسکوچیچ نیز جزو مربیانی بودند که بارها رفتند و برگشتند.